دیدگاه

آگاهی‌رسانی به مصرف‌کننده با درج برچسب قیمت کالا

زهرا آقاجانی
عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

● آگاهی‌رسانی به مصرف‌کننده درباره قیمت و تناسب با کمّیت و کیفیت کالا و اعطای قدرت انتخاب از طریق امکان مقایسه کالا با محصولات مشابه آن در بازار می‌تواند به شیوه‌های مختلفی انجام شود. یکی از شیوه‌های اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده درباره قیمت، درج قیمت فصل‌مکنده به روی کالا در محل تولید (به معنای درج آن برای مصرف‌کننده و نه تولیدکننده) است. این روش در ایران رایج بوده و میزان حاشیه سودها در طول شبکه توزیع با توجه به دستورالعمل قیمت‌گذاری تعیین شده است؛ به‌طوری‌که علاوه بر ۹درصد مالیات بر ارزش افزوده، سود خرده‌فروشی بین ۱۰ تا ۱۴ درصد، سود عمده فروش بین سه تا پنج درصد و سود حمل و پخش نیز حدود ۱۰ درصد در نظر گرفته شده و عرضه‌کنندگان مکلف به رعایت موازین بازاری هستند. از دیگر راه‌های اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده درباره قیمت می‌توان به روش‌های دیگری مانند هزینه تمام‌شده تولید (حداقل قیمت)، تعیین سقف قیمت خرده‌فروشی، درج قیمت واحد کالا (همراه با احتساب مالیات بر ارزش افزوده یا بدون آن) اشاره کرد. در برخی کشورها به منظور رقابتی‌شدن قیمت‌ها، درج قیمت ثابت و مقطوع بر روی کالا به صورت معمول رایج نیست. درنتیجه‌ با مطالعه تجربه کشورهای منتخب به صورت زیر است:

الف. الزام تولیدکننده به درج دو قیمت روی کالا: ۱- «قیمت تمام‌شده تولیدکننده» و ۲- «حداکثر قیمت فروش در سطح خرده‌فروشی» از سوی کارخانه. شایان ذکر است که همه مبادلات خرده‌فروشی در محدوده این دو قیمت انجام می‌شود؛ اما الزامی برای تعیین قیمت مقطوع روی کالا وجود ندارد (نمونه: هندوستان).

ب. درج دو برچسب قیمتی روی کالا: ۱- قیمت تمام‌شده برای مصرف‌کننده ۲- «قیمت واحد» به عبارتی قیمت متوسط به ازای یک واحد وزنی مشخص (مثلاً قیمت به ازای هر صد گرم یا صد میلی‌لیتر از محصول) به منظور ایجاد قابلیت مقایسه میان قیمت کالاهای مشابه برای مصرف‌کنندگان. (نمونه: استرالیا، آلمان و ترکیه).

اگرچه روش‌های بالا دست‌مایه ممکن است با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشند، هدف همگی آنها حمایت از حقوق مصرف‌کننده به‌عنوان طرف ضعیف‌تر موضوع در مقایسه با تولیدکننده و عرضه‌کننده است؛ هرچند لزوم توجه به نظام اقتصادی حاکم بر کشور و این را که شبکه توزیع در کدام مرحله از توسعه‌یافتگی قرار دارد، نمی‌توان در انتخاب هریک از این شیوه‌ها از نظر دور داشت.

بدیهی است که اتخاذ هریک از شیوه‌های یادشده مزایا و معایبی دارد. به طور نمونه یکی از مزایای درج قیمت برای مصرف‌کننده از محل در کارخانه را می‌توان اجتناب از نیرو تشنت بی‌رویه قیمت‌ها برشمرد. علاوه‌براین اتخاذ این شیوه می‌تواند دارای آثار مثبت دیگری مانند تسهیل در وصول بازار، کاهش هزینه‌های درج قیمت‌ها در بازار (به منظور کنترل و نظارت) نیز باشد. البته حاکمیت این شیوه در مسیر درج قیمت در کارخانه را دنبال کند.

در سال ۱۳۹۶، در راستای بهبود نسبی در شرایط اقتصادی، لزوم ایجاد رقابت در بازار کالا و برتری شیوه برچسب‌گذاری کالا با مدل کشورهای منتخب (به منظور اجتناب شیوه قیمت مقطوع و ثابت)، اعضای دیگر در شورای مدیریت در جلسه توزیع کالا (به‌ویژه وزارت متبوع) بر آن شدند تا شیوه اطلاع‌رسانی قیمت برای کالاهای مصرفی را تغییر دهند؛ به‌طوری‌که حذف برچسب قیمت در محل تولید برای برخی کالاهای کمکشش مثل بیسکویت، شیرینی، کیک و شکلات، انواع کنسرو، لبنیات و آسنتو و مواد صنایع سلولزی و بهداشتی مطرح و مقرر شد به جای آن، برچسب‌گذاری قیمت در محل عرضه کالا مقدر قرار گیرد. به بیان دیگر برچسب قیمت حذف نمی‌شد؛ بلکه شیوه اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده تغییر می‌یافت: اما در عمل طرح یادشده مدتی پس از ابلاغ لغو شد. علت لغو آن، ممانعت از تحقق اشتراق نظیر ایجاد تشتت قیمت درباره کالاهای منتخب در سطح کشور، محلات، انواع فروشگاه‌ها و سردرگمی مصرف‌کنندگان درباره قیمت پایه مصرف‌کننده (به‌عنوان قیمت مرجع که تعیین‌کننده ارزان‌فروشی یا گران‌فروشی هریک از فروشندگان است) اعلام شد. این مسئله در همین‌جا خاتمه نیافت و متعاقب آن سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (براساس ابلاغ وزیر صنعت، معدن و تجارت وقت) موظف به تدوین شیوه‌نامه‌ای درباره تنظیم ساختار قیمت در بازار و ممانعت از تشتت قیمت در قالب ابزارهایی مثل تخفیف‌های غیرمتعارف ۴۰درصدی شد؛ اما در عمل شیوه‌نامه یادشده به دلایلی نظیر تعارض با قوانینی مانند نظام صنفی کشور، حمایت مصرف‌کنندگان و تعزیرات حکومتی از یک سو و از سوی دیگر بی‌توجهی به برخی از ابعاد این مهم مانند فقدان زیرساخت‌های لازم برای اجرای این تصمیم، لزوم ایجاد سازوکارهای لازم برای واقعی‌کردن قیمت‌های تولید در ایران (با توجه به دشواری‌های آن و سپس لزوم نظارت واقعی بر رفتار خرده‌فروشان) تدوین نشد. البته کمیته تخفیف‌های غیرمتعارف برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده در سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تشکیل و بر قیمت همه کالاها اعم از کالاهای اساسی و اقلام مشمول قیمت‌گذاری نظارت شد. در کمیته یادشده، تخفیف‌ها براساس آنالیز قیمت کارشناسی هر کالا پیگیری می‌شود و اگر تخفیف‌ها بیشتر از حد متعارف باشد، عرضه‌کننده باید دلایل کافی دال بر جرایی عرضه محصول با قیمت پایین‌تر (در مقایسه با قیمت مصرف‌کننده در کارخانه) ارائه کند. با وجود همه این اقدامات، نظام قیمت‌گذاری کالا در بازار در ایران همچنان نیازمند بازبینی اساسی است.

خلاصه کلام آنکه بینشها می‌شود برچسب‌گذاری قیمت روی کالاهای مصرفی برگردد که در کشورهای منتخب اتم در حال‌توسعه و توسعه‌یافته که به حدف حمایت از حقوق مصرف‌کننده (مقابله با تشتت قیمت‌ها و سردرگمی مصرف‌کننده) انجام می‌شود، در ایران مانند گذشته و دست‌کم در کوتاه‌مدت استمرار یابد.

ادامه در صفحه ۹

مدیرعامل سابق ایمیدرو در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کرد

خدشه‌دارشدن استراتژی صنعتی در بدبستان‌های سیاسی

لیلا مرکن

عکس: محمد آژند

بحث بر سر استراتژی‌های صنعتی ایران همواره یکی از محل‌های مهم مناقشات کارشناسی بوده است. بخشی از کارشناسان حوزه صنعت بر این باورند که در ایران استراتژی صنعتی نداریم و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در بخش صنعت، بدون داشتن نقاشه راه مناسب، صرفاً منتهی به هدردادن منابع کشور شده است. نود یک استراتژی مشخص سبب شده است که در حوزه‌های مشابه، بازیگران متعددی ورود کنند و مجوزهای مختلفی برای یک حوزه فعالیت اقتصادی صادر شود. این کارشناسان بر این باورند تعدد واحدهای اقتصادی و توزیع منابع مالی بین این واحدها و از سوی دیگر اعمال تحریم‌ها باعث شده است خطوط تولید مناسب در کشور راه‌اندازی نشود و این مسئله منجر به هدررفت منابع، به‌ویژه صنایع معدنی شود. آنها می‌گویند که در مرحله فراوری سنگ‌های معدنی، اغلب باطله‌ها عیار بالایی دارند و این مسئله به مفهوم هدررفت منابع است؛ درحالی‌که می‌شد با استفاده از تکنولوژی روز دنیا و تخصیص مناسب منابع، خطوطی راه‌اندازی کرد که کمتر منابع کشور را به هدر ببرد. اما مهدی کرباسیان، مدیرعامل سابق ایمیدرو، در گفت‌وگو با «شرق» نظر این طیف فکری را قبول ندارد. او صحبت از نبود استراتژی صنعتی را حامل تفکر غرضی و صدوری می‌داند و با اشاره به برخی آمارها، نظریه نبود برنامه در بخش صنعت را رد می‌کند. البته او بر این باور است که استراتژی بلندمدت برای بخش صنعتی وجود ندارد و باید در استراتژی‌های صنعتی خود تغییراتی ایجاد کنند تا بتوانیم به نقطه مطلوب برسیم. به اعتقاد کرباسیان، فشار نمایندگان مجلس، در برخی موارد عامل ایجاد پروژه‌های فولادی شده که ظرفیت آنها پایین است. همچنین بدسلیقگی مسئولان ردمبالای کشور در اجرای برخی پروژه‌ها، خشت طرح فولادی را در خراسان رضوی رقم زده که در آن به شرایط محرک‌زیستی و پتانسیل‌های موجود منطقه توجه نشده است. به گفته معاون سابق وزیر صنعت، در برخی موارد استراتژی‌های صنعتی در بدبستان‌های سیاسی خدشه‌دار می‌شوند که نتیجه آن اجرای طرح‌های غیرضروری است. مشروح گفت‌وگو با مهدی کرباسیان، مدیرعامل سابق ایمیدرو و معاون وزیر صنعت، در ادامه می‌آید.

● بسیاری از کارشناسان بر این باورند که در ایران استراتژی صنعتی نداریم و نبود یک استراتژی سبب شده است بدون برنامه مشخص، سرمایه‌گذاری‌های پراکنده‌ای در بخش صنعت و معدن انجام شود. این شیوه سرمایه‌گذاری باعث شده است نتیجه مثبتی برای کشور به دست نیاید. در این رابطه چه نظری دارید؟

اینکه بگویم استراتژی نداریم، به نظر من حرف صفر و صدی است. این‌طور نیست. بالاخره سال‌هاست صنعت در چارچوبی حرکت می‌کند. یکی از استراتژی‌هایی که در این سال‌ها پیگیری شده، سیاست جایگزینی واردات بوده است. واردات ما عدد بزرگی نسبت به صادرات غیرنفتی بوده که در این رابطه اولویت تأمین نیازهای داخل در دستور کار قرار گرفته است. استراتژی دومی که پیگیری شده، این است که بتوانیم تولید داخل را از نظر کیفی حمایت کنیم. این استراتژی خوبی است. سومین هدف این است که رفع نیازهای مردم با اولویت کالاهایی باشد که نیاز اساسی و روزمره جامعه است. اینها استراتژی‌هایی است که در این سال‌ها وارات صنعت، معدن و تجارت (صمت) پیگیری کرده است. ولی اگر منظور از سؤال این است که استراتژی صنعتی کشور به صورت ۱۰-۲۰ سالهٔ نوشته نشده باشد و بر آن اساس حرکت بشود، چنین استراتژی که به این نحو چکش‌کاری و مدون شده باشد، نداریم. بر این اساس استراتژی شفاف نیست تا معلوم شود بالاخره ما در دهه آینده به چه جهتی می‌خواهیم برویم. در این رابطه می‌بینید که در ۴۰ سال گذشته، یعنی بعد از پیروزی انقلاب، جزء وظایف دولت است که با کمک مجلس و به‌ویژه اتاق‌های بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی این استراتژی‌ها را تدوین و تبیین کند و به تصویب برساند.

● به تصمیمات خلق‌الساعه اشاره کردید. قبلا که در ایمیدرو حضور داشتید به اجرای هشت طرح فولادی در استان خشک خراسان رضوی اشاره کردید. معتقد بودید که این طرح‌ها جزء همین تصمیمات بوده است و کفتید اگر بخواهید راجع به این طرح‌ها بنویسید، قادر به نوشتن یک کتاب هستید. چه عاملی باعث شد این تعداد طرح فولادی در خراسان کم‌آب اجرائی شود؟

این یکی از مواردی است که سیاست درستی نبود و دلایل آن را عرض می‌کنم. اگر من دربارهٔ در چند سال گذشته سیاست تولید کارخانجات فولادی به سمت برنگه‌ریزی رفته است. یعنی کارخانه‌های با ظرفیت بیخ میلیون تن به بالا احداث می‌شود. حتی در چین به ابعاد کارخانه‌هایی با ظرفیت ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن فکر می‌کنند و پروژه‌های جدیدشان به این سمت رفته است. در کشور ما پروژه‌های متعددی هست که ظرفیت آن زیر یک میلیون تن دیده شده است. این پروژه‌ها در نقاط مختلف کشور براساس فشار مسئولان سیاسی و نمایندگان مجلس ایجاد شده تا مثل هشت طرح فولادی خراسان به دلیل بدسلیقگی مسئولان ردهبالای کشور اجرائی شده است. به همین دلیل شما می‌بینید که وقتی این تصمیم گرفته می‌شود، بحث محیط زیست، آب، حمل‌ونقل و... آن دیده نمی‌شود. همچنین بحث نقطه مصرف یا مکان مصرف یعنی محل مصرف محصولات هم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بنابراین به همین دلیل قیمت تمام‌شده و مواد دیگر در چنین کارخانه‌هایی می‌باید. بنابراین باید بگویم که اگر استراتژی باشد و بر این اساس برای اجرای آن قطعاً از استراتژی می‌تواند مناطق مافی را بهتر تأمین کند.

● درباره بدسلیقگی در هشت طرح فولادی پیشنهاد توضیح می‌دهید؟ چه بدسلیقگی‌ای باعث شد این طرح تصویب شود؟

منافعی که در این طرح دیده می‌شود، منافع کوتاه‌مدت است. بعضی وقت‌ها نماینده یا مسئولان محلی بنا بر اینکه فکر می‌کنند باید مشکل اشتغال حل شود و یا احداث چنین پروژه‌هایی این مشکلات حل می‌شود، پیشنهاداتی می‌دهند و بعد به وجه‌های مختلف متوسل می‌شوند تا دولت این طرح را اجرا کند. مثلا فشاری به وزیر مربوطه و دولت می‌آورند. بعضا در بدبستان‌های سیاسی تصمیم‌گیری‌هایی می‌شود که موجب خدشه‌دارشدن استراتژی کلان صنعتی کشور می‌شود.

● زنجیره تولید در صنایع فلزی ایران به نظر شما کامل شده است؟

دلیل قیمت تمام‌شده و مواد دیگر در چنین کارخانه‌هایی می‌باید. بنابراین باید بگویم که اگر استراتژی باشد و بر این اساس برآجرای آن قطعاً وزارت صمت کشور و یک همدلی بین مجلس و دولت باشد، قطعاً اگر استراتژی می‌تواند مناطق مافی را بهتر تأمین کند.

● درباره بدسلیقگی باعث شد این طرح تصویب شود؟

● چرا افرادی که روی کار آمدند، به برنامه‌ای که زمان آقای جهانگیری نوشته شد، توجهی نکردند؟

این برنامه جزء دچار سیاسی‌کاری شد. ما در کشورهای دیگر شاهد این هستیم که سیاست‌های بالادستی قرار از اینکه کدام حزب یا دولت روی کار آمدست، ثابت می‌ماند. ولی در کشور ما بالاخره باید بگوییم ناشی از ضعف ارائهٔ قانون، ضعف نظارت و انواع و اقسام دماغه‌ها، یک کلمه، کنار بگذارد، نادیده بگیرد و در واقع یک جهت دیگر را پیش بگیرد. نتیجه این حرکت‌های سیئوسی است این است که متوسط رشد اقتصادی دهه‌های بعد از انقلاب بسیار پایین است.

● چرا بعد از دوره احمدی‌نژاد، با روال‌کارآمدن دولت جدید از همان برنامه زمان آقای جهانگیری استفاده نشد؟

فکر می‌کنم باید این را بگویم به رهبر شود. بالاخره برنامه‌ای که از تهیه آن ۱۲ تا ۱۳ سال می‌گذرد، شاید باید بازنگری می‌شد. از سوی دیگر، از اول دولت روحانی تاکنون چند وزیر در وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) عوض شده‌اند. این مسائل هم هست و این ناپایداری‌ها همه جوره وجود دارد. این تغییرهای متعدد وزرا و همین موردهایی که بلند شد تا وزارت صمت دوباره دو تکه شود

● به تصمیمات خلق‌الساعه اشاره کردید. قبلا که در ایمیدرو حضور داشتید به اجرای هشت طرح فولادی در استان خشک خراسان رضوی اشاره کردید. معتقد بودید که این طرح‌ها جزء همین تصمیمات بوده است و کفتید اگر بخواهید راجع به این طرح‌ها بنویسید، قادر به نوشتن یک کتاب هستید. چه عاملی باعث شد این تعداد طرح فولادی در خراسان کم‌آب اجرائی شود؟

این یکی از مواردی است که سیاست درستی نبود و دلایل آن را عرض می‌کنم. اگر من دربارهٔ در چند سال گذشته سیاست تولید کارخانجات فولادی به سمت برنگه‌ریزی رفته است. یعنی کارخانه‌های با ظرفیت بیخ میلیون تن به بالا احداث می‌شود. حتی در چین به ابعاد کارخانه‌هایی با ظرفیت ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن فکر می‌کنند و پروژه‌های متعددی هست که ظرفیت آن زیر یک میلیون تن دیده شده است. این پروژه‌ها در نقاط مختلف کشور براساس فشار مسئولان سیاسی و نمایندگان مجلس ایجاد شده تا مثل هشت طرح فولادی خراسان به دلیل بدسلیقگی مسئولان ردهبالای کشور اجرائی شده است. به همین دلیل شما می‌بینید که وقتی این تصمیم گرفته می‌شود، بحث محیط زیست، آب، حمل‌ونقل و... آن دیده نمی‌شود. همچنین بحث نقطه مصرف یا مکان مصرف یعنی محل مصرف محصولات هم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بنابراین به همین دلیل قیمت تمام‌شده و مواد دیگر در چنین کارخانه‌هایی می‌باید. بنابراین باید بگویم که اگر استراتژی باشد و بر این اساس برآجرای آن قطعاً وزارت صمت کشور و یک همدلی بین مجلس و دولت باشد، قطعاً اگر استراتژی می‌تواند مناطق مافی را بهتر تأمین کند.

● درباره بدسلیقگی در هشت طرح فولادی در استان خشک خراسان رضوی اشاره کردید. معتقد بودید که این طرح‌ها جزء همین تصمیمات بوده است و کفتید اگر بخواهید راجع به این طرح‌ها بنویسید، قادر به نوشتن یک کتاب هستید. چه عاملی باعث شد این تعداد طرح فولادی در خراسان کم‌آب اجرائی شود؟

من نگفتم استراتژی بلندمدت داریم. در بعضی جاها متأسفانه به دلیل دیدگاه‌های سیاسی برخی تصمیمات گرفته می‌شود. نبود استراتژی را به معنای اینکه هیچ برنامه‌ای نیست، قبول ندارم اما استراتژی مدون بلندمدت برای کل صنایع به گونه‌ای که همدیگر را تکمیل کند، نداریم. به همین دلیل نبود چنین استراتژی ضروری است. البته خوشبختانه این استراتژی تدوین و سیاست‌های آن ابلاغ شده است اما برخی تصمیمات خلق‌الساعه صورت می‌گیرد که برنامه‌ها به درستی اجرا نشود. برخی اتفاقات در بخش صنعت نشان می‌دهد که به استراتژی‌ها به خوبی عمل نمی‌شود. صادراتمحوری باید به‌طور جدی در دستور کار بخش صنعت قرار گیرد. ولی به هر صورت به من‌بعد که این در زمان وزارت دکتر جهانگیری، کار گسترده و عمیق و البته برهزینه و درسرتی در حوزه صنعت انجام شد. آقای دکتر نیلی، تیم خیلی بزرگی جمع و یک استراتژی را تدوین کرد. زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد که طبق معمول هرکسی یا از اولویاهای داشت، به بود. این برنامه کاملا کنار گذاشته شد. در مقابل، کار خیلی سطحی ضعیفی مجدد در این حوزه انجام شد. به‌تازگی نیز دوباره بحث تدوین استراتژی در وزارت صمت شکل گرفته است. اما با یک دید منطقی که از داشته‌های قبلی حداکثر استفاده را بکنیم. بحث دیگری که کارخانجات صادرات‌محور پیگیری می‌شود، این است که یک‌سری نقطه‌ضعف‌ها را شناسایی کنیم و خیلی سریع به آنها بپردازیم. ما در حال‌حاضر در حوزه صنعت خیلی سبد محصول داریم؛ یک از بحث‌های کلیدی اقتصاد ایران، تعدد سبد از حد شرکت‌ها در هر رشته‌ای است. مثلا در صنعت تایلبوارد داریم که در حال‌حاضر سبد تولید ۲۰ تا ۳۰ شرکت کابل‌ساز هم وجود نداشته باشد. حتی در حوزه کالاهای مصرفی مردم نیز در همین آبمیوه، در بازار ایران چندین و چند برند وجود دارد؛ ولی در بازار آمریکا از نزدیک ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۱۵تریلیون دلار تولید ناخالص ملی و بازاری که از هر نظر چندین برابر از ایران بزرگ‌تر است، چهار تا پنج برند بیشتر نمی‌بینید. وضعیت خودروسازان ما هم به همین نحو است. سیمان ما هم شرایط مشابهی دارد و الی آخر. بخشی از این روند برمی‌گردد به صدور مجوزها و نداشتن طرح پایش مناسب و آمایش برای بخش صنعت و از سوی دیگر یک‌سری قوانین ما که به‌هیچ‌وجه منطق روش‌کسنگی را نمی‌پذیرد و اجازه نمی‌دهد شرکت‌ها با یکدیگر ادغام شوند و بزرگ‌سازی شرکت‌ها را تشویق نمی‌کند. مثلا در ایران یک شرکت کابل‌سازی که در حوزه موفق شده است، برایش توجیه دارد که ظرفیت افاضه و واحد جدید احداث کند به‌جای اینکه یک واحد ورشکسته رقیب را خریداری کند. در نتیجه خروجی این است که براساس آمارها، میزان ماشین‌آلاتی که از زمان تأسیس تاکنون وارد ایران شده‌اند، اعداد عجیبی است. البته عملا سرمایه‌گذاری که از سرمایه ملی انجام شده، خروجی خاصی برای کشور نداشته است؛ زیرا همه تجهیزات آن سی‌کار افزاده تا نحوت شناسایی کنیم و خیلی سریع به آنها بپردازیم. ما در حال‌حاضر در حوزه صنعت سبد محصول داریم؛ یکی از بحث‌های کلیدی اقتصاد ایران، تعدد سبد از حد شرکت‌ها در هر رشته‌ای است. مثلا در صنعت برق در ایران ۲۰۰ شرکت کابل‌ساز و ۴۰۰ شرکت تابلوساز داریم که در حال‌حاضر سبد تولید ۲ تا ۳ شرکت کابل‌ساز هم وجود نداشته باشد. حتی در حوزه کالاهای مصرفی مردم نیز در همین آبمیوه، در بازار ایران چندین و چند برند وجود دارد؛ ولی در بازار آمریکا از نزدیک ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۱۵تریلیون دلار تولید ناخالص ملی و بازاری که از هر نظر چندین برابر از ایران بزرگ‌تر است، چهار تا پنج برند بیشتر نمی‌بینید. وضعیت خودروسازان ما هم به همین نحو است. سیمان ما هم شرایط مشابهی دارد و الی آخر. بخشی از این روند برمی‌گردد به صدور مجوزها و نداشتن طرح پایش مناسب و آمایش برای بخش صنعت و از سوی دیگر یک‌سری قوانین ما که به‌هیچ‌وجه منطق روش‌کسنگی را نمی‌پذیرد و اجازه نمی‌دهد شرکت‌ها با یکدیگر ادغام شوند و بزرگ‌سازی شرکت‌ها را تشویق نمی‌کند. مثلا در ایران یک شرکت کابل‌سازی که در حوزه موفق شده است، برایش توجیه دارد که ظرفیت افاضه و واحد جدید احداث کند به‌جای اینکه یک واحد ورشکسته رقیب را خریداری کند. در نتیجه خروجی این است که براساس آمارها، میزان ماشین‌آلاتی که از زمان تأسیس تاکنون وارد ایران شده‌اند، اعداد عجیبی است. البته عملا سرمایه‌گذاری که از سرمایه ملی انجام شده، خروجی خاصی برای کشور نداشته است؛ زیرا همه تجهیزات آن سی‌کار افزاده تا نحوت شناسایی کنیم و خیلی سریع به آنها بپردازیم. ما در حال‌حاضر در حوزه صنعت سبد محصول داریم؛ یک از بحث‌های کلیدی اقتصاد ایران، تعدد سبد از حد شرکت‌ها در هر رشته‌ای است. مثلا در صنعت برق در ایران ۲۰۰ شرکت کابل‌ساز و ۴۰۰ شرکت تابلوساز داریم که در حال‌حاضر سبد تولید ۲ تا ۳ شرکت کابل‌ساز هم وجود نداشته باشد. حتی در حوزه کالاهای مصرفی مردم نیز در همین آبمیوه، در بازار ایران چندین و چند برند وجود دارد؛ ولی در بازار آمریکا از نزدیک ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۱۵تریلیون دلار تولید ناخالص ملی و بازاری که از هر نظر چندین برابر از ایران بزرگ‌تر است، چهار تا پنج برند بیشتر نمی‌بینید. وضعیت خودروسازان ما هم به همین نحو است. سیمان ما هم شرایط مشابهی دارد و الی آخر. بخشی از این روند برمی‌گردد به صدور مجوزها و نداشتن طرح پایش مناسب و آمایش برای بخش صنعت و از سوی دیگر یک‌سری قوانین

● چرا کیفیت کالاهای آنها بهتر است؟

به دلیل سیاست‌هایی که ذکر کردم، چنین شرایطی برای ترکیه رقم خورده است.

● شما در صحبت‌های خود اشاره کردید که ایران استراتژی صنعتی دارد. اگر استراتژی صنعتی داریم، چطور صنعتی مثل فولاد ایران با مشکل مک‌اینایی مواجه است؟ تا نوجه به سابقه حضور شما در ایمیدرو، اطلاع دارید که خیلی از صنایع فولادی ما مشکل تأمین ماده اولیه و حتی آب دارند. اگر استراتژی داریم، چطور سرمایه‌گذاری‌های مشکل‌دار در کشور انجام شده است؟

من نگفتم استراتژی بلندمدت داریم. در بعضی جاها متأسفانه به دلیل دیدگاه‌های سیاسی برخی تصمیمات گرفته می‌شود. نبود استراتژی را به معنای اینکه هیچ برنامه‌ای نیست، قبول ندارم اما استراتژی مدون بلندمدت برای کل صنایع به گونه‌ای که همدیگر را تکمیل کند، نداریم. به همین دلیل نبود چنین استراتژی ضروری است. البته خوشبختانه این استراتژی تدوین و سیاست‌های آن ابلاغ شده است اما برخی تصمیمات خلق‌الساعه صورت می‌گیرد که برنامه‌ها به درستی اجرا نشود. برخی اتفاقات در بخش صنعت نشان می‌دهد که به استراتژی‌ها به خوبی عمل نمی‌شود. صادراتمحوری باید به‌طور جدی در دستور کار بخش صنعت قرار گیرد. ولی به هر صورت به من‌بعد که این

ادامه در صفحه ۹

«شرق» وضعیت توسعه صنعتی ایران را بررسی می‌کند

خروج رشد صنعتی کشور از حالت متوازن

شرق: هرساله حجم زیادی از منابع مالی ایران صرف خرید خطوط تولیدی می‌شود که چرخ صنعت کشور را به حرکت درآورند. با نگاهی به مجوزهای صادرشده در بخش‌های صنعتی و اشتغال پیش‌بینی‌شده برای این واحدها... این تصور در ذهن ایجاد می‌شود که با این همه بخش صنعتی دیگر صرفاً به دنبال سود هستند و دیگر نیازی به نقطه مطلوب ندارند؟ این شیوه سرمایه‌گذاری در ایران وجود ندارد؟ اما واقعیت چیز دیگری است. هنوز هم تعداد بی‌کاران کشورزیاد است و معلوم نیست تمام پول‌هایی که صرف بخش صنعت شده، چرا معضل بی‌کاری تمام را حل نکرده است. علیرضا کاملی‌صمدی، نایب‌رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران، به «شرق» می‌گوید: برای بخش صنعتی کشور استراتژی نداریم و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در حوزه صنعت به جای حرکت به سمت پروژه‌های ساخت‌محور که ارزش افزوده بالاتر و اشتغال بیشتری ایجاد می‌کند، به سمت صنایع فلزی و بتونیتی رفته است که ماده اولیه تولید می‌کنند و از زمانت مناسب طبیعی و انرژی برخوردارند. به گفته او در حال‌حاضر سد صنعتی کشور از حالت متوازن خارج شده است. نبود سیاست‌های درست در بخش صنعت و حرکت‌های سیئوسی سبب شده متوسط رشد اقتصادی دهه‌های بعد از انقلاب بسیار پایین باشد و اشتغال‌زایی مناسبی رقم نزند. مشروح گفت‌وگو با علیرضا کاملی‌صمدی، نایب‌رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران، در ادامه می‌آید.

● آیا در ایران استراتژی صنعتی داریم؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا شاهد عدم توازن در صدور مجوزها هستیم؟

در زمان وزارت دکتر جهانگیری، کار گسترده و عمیق و البته برهزینه و درسرتی در حوزه صنعت انجام شد. آقای دکتر نیلی، تیم خیلی بزرگی جمع و یک استراتژی را تدوین کرد. زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد که طبق معمول هرکسی یا از اولویاهای داشت، به بود. این برنامه کاملا کنار گذاشته شد. در حال‌حاضر کار خیلی سطحی ضعیفی مجدد در این حوزه انجام شد. به‌تازگی نیز دوباره بحث تدوین استراتژی در وزارت صمت شکل گرفته است. اما با یک دید منطقی که از داشته‌های قبلی حداکثر استفاده را بکنیم. بحث دیگری که کارخانجات صادرات‌محور پیگیری می‌شود، این است که یک‌سری نقطه‌ضعف‌ها را شناسایی کنیم و خیلی سریع به آنها بپردازیم. ما در حال‌حاضر در حوزه صنعت سبد محصول داریم؛ یک از بحث‌های کلیدی اقتصاد ایران، تعدد سبد از حد شرکت‌ها در هر رشته‌ای است. مثلا در صنعت برق در ایران ۲۰۰ شرکت کابل‌ساز و ۴۰۰ شرکت تابلوساز داریم که در حال‌حاضر سبد تولید ۲ تا ۳ شرکت کابل‌ساز هم وجود نداشته باشد. حتی در حوزه کالاهای مصرفی مردم نیز در همین آبمیوه، در بازار ایران چندین و چند برند وجود دارد؛ ولی در بازار آمریکا از نزدیک ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۱۵تریلیون دلار تولید ناخالص ملی و بازاری که از هر نظر چندین برابر از ایران بزرگ‌تر است، چهار تا پنج برند بیشتر نمی‌بینید. وضعیت خودروسازان ما هم به همین نحو است. سیمان ما هم شرایط مشابهی دارد و الی آخر. بخشی از این روند برمی‌گردد به صدور مجوزها و نداشتن طرح پایش مناسب و آمایش برای بخش صنعت و از سوی دیگر یک‌سری قوانین

● چرا افرادی که روی کار آمدند، به برنامه‌ای که زمان آقای جهانگیری نوشته شد، توجهی نکردند؟

این برنامه جزء دچار سیاسی‌کاری شد. ما در کشورهای دیگر شاهد این هستیم که سیاست‌های بالادستی قرار از اینکه کدام حزب یا دولت روی کار آمدست، ثابت می‌ماند. ولی در کشور ما بالاخره باید بگوییم ناشی از ضعف ارائهٔ قانون، ضعف نظارت و انواع و اقسام دماغه‌ها، یک کلمه، کنار بگذارد، نادیده بگیرد و در واقع یک جهت دیگر را پیش بگیرد. نتیجه این حرکت‌های سیئوسی است این است که متوسط رشد اقتصادی دهه‌های بعد از انقلاب بسیار پایین است.

● چرا بعد از دوره احمدی‌نژاد، با روال‌کارآمدن دولت جدید از همان برنامه زمان آقای جهانگیری استفاده نشد؟

فکر می‌کنم باید این را بگویم به رهبر شود. بالاخره برنامه‌ای که از تهیه آن ۱۲ تا ۱۳ سال می‌گذرد، شاید باید بازنگری می‌شد. از سوی دیگر، از اول دولت روحانی تاکنون چند وزیر در وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) عوض شده‌اند. این مسائل هم هست و این ناپایداری‌ها همه‌جوره وجود دارد. این تغییرهای متعدد وزرا و همین موردهایی که بلند شد تا وزارت صمت دوباره دو تکه شود

● کفتید صنایع سخت‌محور را کنار گذاشته‌ایم و به سمت صنایع فلزی رفته‌ایم. چرا به آن رفته‌اید و اگر به صنایع سخت‌محور توجه نمی‌کردید، چه مزایایی برای دشت داشت؟

یکی از موضوعاتی که در کشور داریم و این مسئله در کوارش‌های جهانی هم منعکس شده و در اصلی‌ترین گزارش هم که گزارش فضای کسب‌وکار است به آن اشاره شده است، بحث چوب سرمایه‌گذاری جدید و تشکیل شرکت‌های جدید است. اگر به گزارش مجمع جهانی اقتصاد در بحث رقابت‌پذیری نگاه کنیم، ایران رتبه بسیار پایینی در این و مسائلی از این دست، عدم اطمینان را به نحوی افزایش می‌دهد و اگر تکوییم این تصمیمات منجر به فقل‌شدن مسیر تصمیم‌گیری می‌شود، می‌توان گفت منجر به کندشدن تصمیم‌گیری در بحث سرمایه‌گذاری می‌شود.

● کفتید صنایع سخت‌محور را کنار گذاشته‌ایم و به سمت صنایع فلزی رفته‌ایم. چرا به آن رفته‌اید و اگر به صنایع سخت‌محور توجه نمی‌کردید، چه مزایایی برای دشت داشت؟

بله، ما در دوره احمدی‌نژاد، به برنامه‌ای که زمان آقای جهانگیری نوشته شد، توجهی نکردند؟ این برنامه جزء دچار سیاسی‌کاری شد. ما در کشورهای دیگر شاهد این هستیم که سیاست‌های بالادستی قرار از اینکه کدام حزب یا دولت روی کار آمدست، ثابت می‌ماند. ولی در کشور ما بالاخره باید بگوییم ناشی از ضعف ارائهٔ قانون، ضعف نظارت و انواع و اقسام دماغه‌ها، یک کلمه، کنار بگذارد، نادیده بگیرد و در واقع یک جهت دیگر را پیش بگیرد. نتیجه این حرکت‌های سیئوسی است این است که متوسط رشد اقتصادی دهه‌های بعد از انقلاب بسیار پایین است.

● چرا بعد از دوره احمدی‌نژاد، با روال‌کارآمدن دولت جدید از همان برنامه زمان آقای جهانگیری استفاده نشد؟

بله، ما در دوره احمدی‌نژاد، به برنامه‌ای که زمان آقای جهانگیری نوشته شد، توجهی نکردند؟ این برنامه جزء دچار سیاسی‌کاری شد. ما در کشورهای دیگر شاهد این هستیم که سیاست‌های بالادستی قرار از اینکه کدام حزب یا دولت روی کار آمدست،